



و

اظهار نظرها

مجله خاطرات وحید :

بمنوان توضیح درمورد مطلبی که در صفحه ششم شماره دهم مجله خاطرات نوشته شده بود یاد آور میشود که :

در ساختمان مجلس سنانه درنمای خارجی ونه درداخل ساختمان سنگ تراورتن وجود ندارد که از معدنهای مرحوم صدر-الاشراف خریداری شده باشد و فقط از مرمرهای سفید و الوان استفاده شده است مقدار مختصری تراورتن هم که برای کف محوطه مصرف شده پس از فوت ایشان بوده است . اما پرونده دادگستری مربوط به این بوده که گفته شده بوده است از مرمرهای کاخ سنا در منزل شخصی آقای صدرالاشراف کار شده که پس از رسیدگی مراجع قضائی معلوم شد اصولا منزل ایشان خشتی و فاقد

سنگ نبوده است (آن منزل هم هنوز بهمان صورت باقی است) .

سناتور محسن فروغی

جناب آقای دکتر وحید نیا

گرامی مدیر مجله خاطرات و نماینده محترم مجلس شورای ملی با تقدیم احترام در کتاب خاطرات شماره سیزدهم مورخه ابان ماه در باره اعلیحضرت رضا شاه کبیر مختصری یاد کرده بودید که من لازم دانستم با آنچه نوشته بودید تصحیحی ملحق کنم . این تصحیح مستند است بکتاب تاریخ پهلوی که چهل سال پیش با راهنمایی تیمسار سپهبد جهانبانی نوشته‌ام که در آن زمان رئیس ارکان حزب بودند و من هم مدیر مجله ارتش بودم . و آنچه بتاريخ ولادت و تاریخ

نیکان و دودمان آن پادشاه بزرگ ارتباط دارد در همان روزها از پیشگاه شاهانه پرسیدم و آنچه نامعلوم بود مرا ارشاد فرمودند و نیز برخی را از امیر اکرم جو یا شدم و چون عضو ستاد بودم لازم بود از پیشگاه ملوکانه نشر آن کتاب را اجازت بخواهم و از پیرا بر حسب امر آن پادشاه بزرگ فصول اولیه آن را در پیشگاه شاهانه خواندم و نشر آن را اجازت فرمودند و این تصحیح که اکنون یادمی کنم برین نشان بصحت و اعتبار کامل قرین است : و چون شما در ضمن فهرستی که بنام شرح احوال رضاشاه کبیر نوشته بودید نام پدر آن پادشاه را عباسقلی زیاد کرده اید باید بگویم عباسقلی درست نیست و آنچه بصحت مقرون است عباسعلی است و عباس علی خان از اعظم لشکریان ایران بوده است و سرهنگ فوج سوادکوه و حاکم آنجا و حاکم تمام حدودی بوده است که بسوادکوه تعلق داشته و نام جد آن پادشاه بزرگ «مرادعلی خان یا ورفوج سوادکوه» بوده است که در جنگ هرات پس از ابراز دلوری و شجاعتی بی نظیر در راه وطن شهید شده است و نیز در تاریخ آمده است که پادشاه کیانی گیمخسر و بهنگاه جابجا کردن طوائف ایران و جنگ آن حدود طایفه پهلوی را از فارس بمازندران انتقال داده است و اعتماد السلطنه وزیر ناصر الدین شاه نیز این معنا را در کتاب تاریخ سوادکوه تدوین و نوشته و من نیز این جمله را در فهرست اسامی و در آخر تاریخ پهلوی یاد کرده ام با تقدیم احترام حبیب الله نوبخت

آقای مدیر مجله معتبر و منحصر به فرد خاطرات وحید:

در یادداشت های مرحوم صدرا لاشراف مندرج در شماره دوازدهم ضمن اخبار باغشاه که مشروطه طلبان را قزاقها و مأمورین استبداد شکنجه میدادند نوشته شده است : و این عمل و شکنجه و داد و فریاد محبوبین به گوش طبیب مخصوص دکتر لقمان الملك میرسد ایشان شدیداً اعتراض میکنند که چرا ملت را اذیت میکنید این ها بشر هستند انسانند و ایرانی میباشند... باید توضیح داده شود که اشتبهاً لقمان الملك نوشته شده است نام این طبیب مرحوم دکتر لقمان الممالک بوده که یکی از پزشکان حادق و پاک و دانشمند و آزادیخواه بودند و پدر آقایان دکتر لقمان الدوله و دکتر حکیم الدوله و دکتر اعلم الملك میباشد .

با احترام : دکتر شفیع امین

نماینده مجلس شورای ملی

دوست عزیزم آقای دکتر وحید نیا

شماره اخیر «خاطرات» حال دیگری داشت که خوشحالم ساخت ... چاپ قصه «ماهی دودی» شاعر توانا آقای رعدی آدرخشی از کارهای تازه بود که کرده بودید . گرچه این سبک را سخندان ارجمند آقای جمال زاده (تا آنجا که مخلص می دانم) کالمقدم بکار برده و شادروان صادق هدایت هم بجای خود در این راه قدم برداشته ، ولی کار آقای آدرخشی هم جالب بوده و حال داشت . و خود «فاطمه گرد» در آنجا از «ماهی دودی» جادارتر است ... اما آنچه در این شماره «خاطرات»

برایم جالبتر و خیال انگیز بود خلاصه احوال شاهان پنجاه شصت سال اخیر ایران بود ...

دیدم مرحوم مظفرالدین شاه به شصت سالگی نرسیده و پسرش محمدعلی میرزاهم پنجاه و اندسالی بیش نرسته است، و باللهعجب که مرحوم احمد شاه هم جوانمرگ شده است ... و عجیب تر، این بیماری کلیوی است که گریبانگیر آن مرحومان بوده است ... و در واقع افزونی (اسیداوریک) در خون و تظاهر نفرس، این بیماری بی حرکت ها و پرخورها و تنبل ها ... ولی در هر حال مسئله توارث مهم تر بوده است .

آدم فکر میکند مرحوم ناصرالدین شاه را هم اگر نمی کشند شاید پس از برگزاری جشن نیم قرن سلطنتش دیگر دیری نمی پائید، و شاید هم چون اهل گردش و شکار و حرکت بود دیر تر می زیست ... اما ملاحظه میکنید که مرحوم رضاشاه کبیر باتمام سختی های تمام دوران عمرش، بویژه غمزدگی های ایام هجران دو ژوهانسبورگ، تا نیمه های دهه هفتم زیسته است ...

و این مایه مسرت است که از این قیاس امید دیرزیستن برای فرزند ارجمند رضاشاه هم مسلم میشود ... زیرا تا آنجا که شنیده ایم و خوانده ایم، عمر زیاد (ویا کم) ارثی است .. این خوشحالی برای دوستان هنگامی بیشتر میشود که بخاطر بیاورند فرزند ارجمند رضاشاه کبیر،

شاهنشاه آریامهر ورزشکار و پرحرکت هم هستند و باید که با در نظر گرفتن پیشرفت های بهداشتی و پزشکی در این سالها خیلی پیش از عمر مرحوم رضاشاه کبیر نصیب از روزگار داشته باشند . . و امید آنکه در عمر طولانی که انشاء الله تعالی نصیب ایشان خواهد شد خیر و برکت بازم بیشتر نصیب ایران و ایرانی گردد . انشاء الله .

ارادتمند : م سعیدوزیری
نماینده مجلس شورای ملی

حضرت آقای دکتر وحیدنیا

در شماره ۱۳ گرامی مجله خاطرات شرحی بقلم آقای محمدرشتی در مورد مقاله (دیباچه بر خاطرات لایارد در ایران) نوشته را قم این سطور درج شده که ضمن سپاس و تشکر فراوان از بذل و عنایت و تذکر بموقع ایشان اجمالا توضیحی بمرض میرساند :

همانطوریکه جناب ایشان تذکر داده اندواژه (Grand Master) يك عنوان بزرگ اخلاقی و طریقتی است و اشاره بمقام استادی و پیشوائی ناصرالملک در یکی از لژهای فراماسونی ایران بوده که متأسفانه در ترجمه فارسی این کلمه از قلم افتاده و جمله بصورت ناقص و ابتر چاپ شده است . اینک با عرض معذرت و پوزش فراوان از پیشگاه خوانندگان گرامی مجله خاطرات جمله مذکور بدین شرح اصلاح میگردد. . :
اوتازه میرفته است تا سمت دهربری و پیشوائی یکی از انجمن های ماسونیک را در
ضمناً جای یادآوری است که آنهاییکه با مسائل تاریخی يك قرن اخیر کشور ما سروکار دارند کم و بیش با این گونه عناوین

و القاب بخوبی آشنائی دارند بخصوص اینکه شادروان محمود محمود ترجمه این قسمت را در تاریخ روابط سیاسی (ج ۶ ص ۱۷۲۴) ذکر کرده است .

مهراب امیری ۲۸ آبان ماه ۱۳۵۱

از اینکه مقاله مربوط به مرحوم «نیمه» در شماره ۱۳ خاطرات عزیزامر بدرج فرموده اند کمال تشکر را دارم . در ضمن یادآوری این نکته را لازم می دانم که تاریخ فسخ قرار داد داری و هیاهوی نفت ، و مسافرت نویسنده به اردبیل ، و سپس به آستارا و ملاقات با شادروان «نیمه» سال ۱۳۱۰ بوده که بنا صواب ۱۳۱۴ چاپ شده است .

برای سپاس از تیمسار دانشمندسر - لشکر طباطبائی و کیلی (که حقاً صاحب سیف و قلمند) و فاضل گرامی آقای نصرت اله فتحی که هر دو بزرگوار این لغزش را کتباً تذکر داده اند باید دست نیاز بر دیوان فیاض خواجه شیراز برد و گفت :

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد
همیشه در خدمات ملی و فرهنگی موفق
و موید باشید انشاء الله

دروس - محمد فیضی

۱۹ آبان ماه ۱۳۵۱

دانشمند ارجمند جناب آقای دکتر
وحید نیا

قسمت ابتکاری چهره ها هم خوب ، مفید ، دیدنی و خواندنی است ولی می - خواستم استدعا کنم که برای از یاد فایده آن بهتر و مناسبت تر است که بیوگرافی

هر کس در مقابل پیکره اش گذارده شود ، مثلاً عکس مظفرالدین شاه بجای صفحه ۳ در صفحه چهار و شرح حالش در صفحه ۵ چاپ شود که در آن صورت چه از لحاظ روانی و چه از نظر تعلیم و تربیت بسیار مفید است و بیننده چهره ، نیازی نخواهد داشت که پس از رؤیت آن برای بدست آوردن شرح حال صاحب چهره ورق بر گرداند و همزمان با رؤیت چهره شرح حالش را نیز خواهد خواند . بدیهی است در صورت تصویب این پیشنهاد صفحه ۳ خالی میماند که در آن صفحه هم ممکن است يك مقدمه برای چهره ها و یا يك مطلب جالب دیگری پیدا کرد و یا اینکه چهره ها را به قسمت آخر مجله انتقال داد .

ضمناً یادآوری این نکته را خالی از فایده نمیداند که واژه «پیکره» که بعضیها بمعنی مجسمه بکار می برند ، درست نیست برای اینکه پیکره یعنی پیکروار و بهمین معنی در لغت های معتبر ثبت شده است بنابراین این پیکره بمعنی عکس و تندیس بمعنی مجسمه است که نباید با هم خلط شود .

* چون برخی از محققان و کسانی که عکسهای تاریخی را نگاهداری میکنند صفحات مجله را که چهره ها در آن چاپ شده است از مجله جدا کرده و در آرشیو خود ضبط می نمایند و از نظر آنکه پیکره یا چهره رجال و شرح حال آنها در يك ورق چاپ شود بطور مستقل میتوان آنرا از مجله جدا کرده و ضبط نمود لذا فعلاً بهمین نحو عمل خواهیم کرد و بعداً که «چهره ها» بصورت نشریه جدا گانه ای چاپ خواهد شد آن وقت تغییرات لازم را خواهیم داد .

بقیه در صفحه ۳۳

و تقبیح می کند و آنرا جنایت
تجیع می خواند، و مستمسک
ایست که می گوید این
دنباله همان قرارداد
۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ است که
می خواستند ایران را بدو
منطقه نفوذ روس و انگلیس
تقسیم کنند. بنابراین خود
کلمه «منطقه نفوذ» باری
چنان شدید از بدبینی و
کینه و هیجان در درون
دارد، که هر ایرانی از
شنیدن آن به یاد ۱۹۰۷ و
۱۹۱۹ و وحشت تقسیم

میهنش می افتد و شدت
متألم و خشمگین می شود.
خوب، من که عهده دار
مسئولیت ارشاد و تبلیغ
امور کشورم هستم، و باید
از هیجانات ضد قرارداد
و ضد شما متفقین بکاهم،
آیا می توانم این خبر
ناشیانه و آشوب انگیز
رویترا چنانکه هست
پخش کنم، یا باید بسود
مصلحت سیاست مشترکمان
ریسک مسئولیت را بعهده
بگیرم و آنرا اصلاح کنم

من عبارت را اینطور
اصلاح کردم که بجای
« منطقه نفوذ روسها »
نوشتیم « اعلی حضرت محمد
رضاشاه به مشهد که شهری
است مقدس و متبرک
تشریف فرما شدند » تا
مستمسکی بدست رادیو
برلن ندهم که فردا بگوید،
دیدید این قرارداد هم
همان قرارداد ۱۹۱۹
است، والا خود رویترا
هم نمی گفت « خراسان
یعنی منطقه نفوذ روسها. II »

جناب آقای دکتر وحیدنیا

مدیر محترم مجله ماهیانه خاطرات
در شماره ۱۳ آن مجله صفحه ۱۱۰ تحت
عنوان بنا های تاریخی اصفهان . نظریه
جناب آقای استنادار اصفهان داور بر اینکه
عمل دانسته یا ندانسته مسعود میرزا ظل -
السلطان برگچ اندود نمودن نقاشیهای ممتاز
دوران صفوی موجب اینگریدید که پس از
سالهایی رخ از نقاب بدرآرد و محفوظ ماند
جلب توجه نمود.
بویژه این جملات « در صورتیکه اگر ظل -
السلطان روی این آثار را گچ نمیکشید به
یقین قسمتهائی که در دسترس بود بوسیله
افراد نادان تراشیده میشد و از میان میرفت »
نمیدانم آنجناب . پس از بر طرف ساختن
پوشش گچی این آثار را از نزدیک مشاهده
فرموده اید یا خیر؟

در حال . چون موضوع هر تبط : تاریخ
وقضاوت مورخین در آتی بر عمل دولت باید
بمرض ایشان برسد که اگر ظل السلطان
مرتکب چنین اشتباهی نمیشد، همانطوریکه
اعلام فرمودند امکان داشت قسمتهائی که
در دسترس بود وسیله افراد نادان تراشیده
و از میان برود.

و حال اینکه . بناه در موقع پوشش آن
برای اینکه گچ بر روی نقاشیهای ممتاز ابنیه
تاریخی استوارماندو فرو نریزد طبق معمول
وروش کار تمامی آن آثار را اعم از دسترس
و غیر دسترس ، چنان بانوك تیشه بیدادش
زخم دار ساخته که امروز داد هر بیننده
ایران نژاده را از آن بیداد با آسمان میبرد
و در پیشگاه محکمه عدل الهی بر این عمل
زشت نابخشودنی شهادت میدهد .
اصفهان . مورخ ۲۴ ۱۹۹۲ ۵۱
ارادتمند . حکمی رضائی